

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۰ آذر ماه ۱۳۲۰

فهرست مطالب:

۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - طرح برنامه دولت

۳ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و ربع پيش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۶ آذر ماه را آقای طوسی (منشی) خواندند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری ایست؟ (گفته شد - خیر)
صورت مجلس تصویب شد.

۲ - طرح برنامه دولت

رئیس - برنامه دولت معارض است. آقای تیمور

امیر تهیه کلامی - بهترین فرصت برای آقایان نمایندگان (مرآت اسفندیاری - بفرمائید پشت تریبون) بنده همینجا طوری عرض میکنم که آقای مرآت بشنوند. عرض کردم بهترین فرصت برای آقایان نمایندگان که بتوانند در امور کشور اظهار نظر فرمایند فقط موقعی است که برنامه دولت معارض است. برنامه‌ای که آقای فروغی اخیراً به مجلس تقدیم فرمودند همانطوری که خودشان هم بیان فرمودند

همان برنامه‌ای است که در کابینه قبل به مجلس تقدیم داشتند بعلاوه چنانکه در بیاناتشان هم اضافه شد چیزی که اهمیت دارد موضوع تکمیل امنیت و تأمین خواربار است البته تکمیل امنیت یا اعاده امنیت و تأمین خواربار این دو موضوع یکی از وظائف و تکالیف اولیه هر دولتی است که محتاج بذکر در پرگرام ایست. البته هر دولتی در هر جایی باشد اولین تکالیفش اعاده ایجاد امنیت و تأمین خواربار مملکت است و در مملکت ما در جریانات اخیر تمام اهالی کشور بمتابعت از آراء و عقاید مجلس شورای ملی سعی وافق برای امنیت دارند و آنطوری که در خارج تعبیر میشود امنیت کشور ما از هم گسیخته نشده است و پا برجا است. بنده حقیقه سراغ ندارم اشخاص یا مقاماتی در این مملکت وجود داشته باشند که بخواهند امنیت

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

این مذاکرات مشروح هشتمین جلسه از دوره سیزدهم قانون گذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

مملکت را مختل بکنند یا قدمی بردارند. عموم ایرانیها متفق هستند و در این موقع که مملکت بیشتر محتاج بوحدهت است برای این منظور هم کوشش میکنند. البته اگر پانزده تا بیست و هفت سال پیش بود که مملکت را در این وضع بود و آنچه که بوده برقرار است و اگر جزئی ناامنی های کوچک هم باشد امیدواریم با توجه هیئت دولت بر طرف شود. غیر از این موضوع عرایض بنده این است که دولت در پرگرام سابق هم یکی تعدیل مالیاتها و الغاء انحصارها را جزء پرگرام خودش قرار داده بود اینجا هم باز در برنامه تجدید شده در موضوع تعدیل مالیاتها با وجود این دولت بهیچوجه منالوجوه بنا بر وعده و مرام خودش رفتار نکرد بلکه در این مدت قلیل بر اغلب مالیاتها اضافه کرده مقداری بر مالیات بنزین و قند و نفت و کبریت و همینطور بر باقی مایحتاج اضافه شده است. از موضوع انحصارات هم که در اینجا باز دولت اشاره کرده است که در موقع بودجه سال آتی انحصارات غیر ضروری را بر دارند چرا از همین حالا که نسخ آن لازمست الغا نمیکنند و قدمی بر نمیگذارند و نه تنها از نظر نفع خودش باید در این قضیه اقدام بکنند بلکه از نظر مصلحت مملکت اغلب این انحصارات باعث پریشانی و بدبختی مردم این مملکت میشود یک عده مختصری البته فوایدی برده اند در مقابل عده زیادی پریشان و بدبخت شده اند (صحیح است) البته دولت نباید راضی بشود که دستر بیج هزاران نفر بدبخت و پریشان بهیچ یک اشخاصی برود منجمله فرض کنید انحصار کتیرا چه نفعی برای این مملکت دارد جز اینکه حاصل زحمت هزاران افراد کبیر یک عده بیاید مخصوصاً در این موضوع از آقای نخست وزیر که قطع دارم نظرشان آسایش مردم است تمنی میکنم دقت بیشتری از نظر مصالح کشور را از نقطه نظر موفقیتهت دولت بفرمایند زیرا ممکن است بسا قضایا و مطالبی باشد که نفع دولت در مقابل آن باشد ولی مصلحت کشور و مملکت باید به نفع دولت مقدم باشد. موضوع عرض دیگر بنده چون راجع به امنیت مذاکره شد خواستم ب عرض آقای فروغی برسانم که غیر از امنیت صورتی امنیت مالی و امنیت خارجی و شرفی هم بایستی ما مردم داشته باشیم و باید ترتیبی

ایجاد کرد که مردم حقیقه خاطرشان امنیت داشته باشد در نتیجه عواملی در بیست سال گذشته هزارها نفر و عده زیادی از اهالی این مملکت املاک و اراضی ایشان از دست رفت و از موقعی هم که این املاک با عالیحضرت پادشاه جوان منتقل شد از انصاف بخلید گذشت با نهایت جوانمردی فرمودند که این املاک را میخوایم و باید بصاحبانشان داده شود و حق را بمن اداالحق باید داد بنده اذعان میکنم که نظر آقای فروغی هم همین بود و در همین مجلس با نهایت حسن نیت و صمیمیت فرمودند که دولت نظری ندارد و کراراً در مجلس اظهار کردند که باید حقوق مردم به خودشان داده شود ولی در مقابل این که پادشاه اینطور امر کرد مجلس هم موافقت کرد دولت هم موافقت دارد چه اقدامی دولت کرده در نتیجه این لایحه را آورد به مجلس که مطابق آن باید در عدلیه رسیدگی شود این موضوع حقیقه از چاه در آوردن و بچاله افتادن است بنده خدا شاهد است هر چه مطالعه کردم دیدم همه این لایحه برای ارفاق حق مردم نیست برای یک عده اشخاص زیادی که وکلای محترم دادگستری هستند کار پیدا میشود و نسبت به آقایان هم بنده قول میدهم که همیشه سپاسگذار خواهند بود که یک همچو کار مهمی برای آن ها درست کرده اند بنده عرض میکنم مصلحت مملکت را باید در نظر گرفت و مال مردم را باید بخودشان داد بنده عرض میکنم تمام این املاک باید برای بندگان به مردم داده شود عرض میکنم سابقه این املاک تمام در دربار در دفتر شاهنشاهی هست آنچه معلوم است از کسی گرفته شده بچه و بچوبچه مبلغ گرفته شده چه مبلغ خرج آبادی آنها شده است هیچگونه رسیدگی ندارد شما صمیمانه آن دفتر را باز کنید از روی آن میتوانید قضاوت کنید. البته یک عده این املاک بخالصه دولت بوده و بشاه سابق منتقل شده و یک عده از این املاک املاکی است که صاحبان آن برضا و رغبت خودشان رفته اند فروخته اند اما یک قسمت دیگر اینها را از رعیت بیچاره مازندران و کرمانشاه و بجنورد و صحرائی ترکمن و کرکان گرفته اند و بیچاره هایی که در یک جریب زمین شسته اند از دستشان رفته است و با

کمال عسرت با آنها میگردد آقای وزیر عدلیه از روی کمال بی التفاتی این لایحه را میآورد و معلوم نیست حق این بیچاره ها چه خواهد شد که واقعا این بیچاره ها دچار سختی و بدبختی شده اند. از این موضوع که میگنیم در قسمت معیشت و وضع گرانی البته اوضاع عالم و اوضاع اقتصادی عادی نیست و بواسطه جنگ و آشفتگی های روزگار برای کشور ما دولت ما خیلی سخت است که بتواند از هر جهت اسباب آسایش و رفاه ما را صد درصد فراهم کند ولی یک قسمت هایی هم هست که حقیقه بواسطه عدم توجه دولت دارد از هم میپاشد خوبست توجه بکنید دوائی که چند روز قبل یک تومان قیمتش بود حالا با چهار تومان پیدا نمیکند نه اینکه تصور شود در کشور دوا نیست بنده اطلاع دارم که در مملکت بقدر پنج شش سال دوا موجود است فقط و فقط یک عده استفاده بچی از قبیل مردمان پست نظر احتکار کرده اند جمع آوری کرده اند برای اینکه جیب خودشان را پر کنند با جان مردم بازی میکنند اما موضوع دوا این چیزی نیست که بشود حمل کرد یک مریض که محتاج بدوا است و یک دواخانه میگردد پنج تومان این قوه ندارد بالاخره نمیتواند و جانش از میان میرود و این اشخاصی که میخواهند با جان مردم بازی کنند باید نوری سرشان زد و از جامعه بیرون کرد و هیچوقت در جامعه ایران و ایرانی نباید این قبیل اشخاص را قبول کرد غیر از موضوع دوا بقیه اشیاء بنسکنداری و خرازی و غیر خرازی که ما محتاج مردم مملکت است مقادیر زیادی در این مملکت هست که بنده اطلاع دارم یک عده استفاده بچی در مقام خریداری بر آمده اند و میخواهند از مملکت صادر کنند در این موضوع هم مخصوصاً توجه رئیس دولت را جلب میکنم تحقیق فرمایند که اگر حقیقت داشته باشد واقعا جلوگیری کنند موضوع دیگر گرانی اشیاء اتومبیل است کسانی که اتومبیل دارند میدهند واقعا چه بدبختی است متأسفانه و بدبختانه این کار هم منحصر شده است در طهران بچند نفر هندی که در خیابان چراغ برق هستند و فروش اشیاء اتومبیل دست آنها است و مردم را غارت میکنند حقیقه یک چیز دوقرانی را به

پنج تومان ده تومان آنچه دلشان میخواهد میفرروشید. آقا باینکه منکر قضیه هستند بنده دستشان را میگیرم و میبرم و نشان میدهم که چطور چیز دوقرانی را پنج تومان میفرروشند و مقادیر زیادی هم کالا در انبار آنها موجود است و میخواهند در این موقع استفاده بیجائی بکنند از این قضیه که بگنیم بنده در موقعی که پرگرام دولت در کابینه قبل به مجلس تقدیم شد و معترض بود اجازه خواستم متأسفانه موضوع بحث و نوبت بد بنده نرسید و میخواستم اظهار نظر کنم در مسئله منع کشت تریاک این مسئله تریاک یکی از مسائل حیاتی است برای زارعین ایران و تنها رقم درشتی که بفلاحات این مملکت خدمت میکند و یک پول نقدی وارد این مملکت میکند فقط و فقط تریاک است تریاک ایران هم تنها از نظر مصرف نیست بلکه در دنیا خدمت طلب میکند و رقم حیاتی مملکت را نمی شود از دست داد (صحیح است) بنده بامنع استعمال تریاک کاملاً موافقم و دولت هر قدمی که بر دارد تقدیر میکنم ولی این موضوع منع کشت تریاک بضرر این مملکت است و بنده پیشنهاد میکنم از پروگرام حذف بفرمایند و تقاضا میکنم آقای نخست وزیر هم موافقت بفرمایند و قسمت دیگر در خصوص دیگر در خصوص معارف البته با بودن حضرت آقای تدین که حقیقه ایشان بهترین کسی هستند که در معارف ایران میتوانند اظهار کنند و بهتر از هر کسی معایب و اوقاص معارف ایران را میدانند عرضی که بنده در این قسمت میخوام حضورشان بکنم این است که ما باید در آئینه روح فضیلت و تقوی را در فرزندان خودمان ایجاد و تقویت کنیم و برای رسیدن باین مقصود راهی نداریم جز اینکه پایه معارفمان معارف اسلامی باشد (صحیح است) بهترین معارفی که حقیقه باعث ارتقاء بشر است و میتواند ما را بترقی و تکامل برساند فقط معارف اسلامی است و بنده از آقای وزیر فرهنگ که بهترین فردی هستند برای معارف ایران تمنی و استدعا میکنم در این قضیه عطف توجه مخصوص بفرمایند. موضوع دیگر که راجع بمعارف است و آرزوی شخصی بنده است تعمیم معارف در تمام کشور بواسطه

کردن تمام افراد این مملکت است و البته این موضوع باید هر چه زودتر شروع بشود و بنده بدو در این عقیده ام و لولایی که تنها باشم از نمایندگان مجلس و هیئت دولت استدعا میکنم در قدم اول دولت برای معارف عمومی آذربایجان قدم بردارد که جامعه آذربایجان باسواد شود و زبان فارسی را بیاموزند و اگر امر داده شود که یکسال دو سال بود چه معارف اختصاصی به معارف آذربایجان داده شود بنده بسهم خودم موافقت میکنم و استدعا میکنم که در این موضوع توجه مخصوصی بفرمایند. عرض کنم در قسمت سیاست خارجی که در ماده اول پرگرام دولت ذکر شده است بنده البته استدعا میکنم که دولت موافقت نکند که این قضیه مورد بحث طولانی تری در مجلس قرار گیرد و البته چون حالا عده زیادی از همکاران و رفقای عزیز بنده اجازه خواسته اند بنده وقت آقایان را بیشتر اشغال نمیکنم و امیدوارم دولت موافقت کند که در آنیه مناسب تری این قسمت مطرح شود سیاست خارجی ما همیشه باید روی بیطرفی باشد و در سایه بیطرفی هم دولت و ملت ایران بهتر خواهد توانست بصالح عمومی عالم خدمت بکند و در خاتمه عرضم موضوعی را که میخواستم بعرض آقای وزیر کشور مخصوصاً برسانم این قضیه زوار عتبات عالیات بود از موقعی که از طرف دولت گفته شده که ارز آزاد است یعنی ارز داده میشود برای کسانی که میخواهند بعتبات عالیات بروند عده زیادی از ولایات آنچه بنده اطلاع دارم از خراسان متجاوز از چندین هزار نفر رعیت و غیر رعیت دهائی هنا آمده اند البته کار خیلی خوبی است ولی عرض میکنم حالا که شما اجازه داده اید بروند این بدبخت ها از شهرها و دهان دو بیست سیصد فرسخ راه آمده اند تهران و الان معطل و سرگردانند اینک اعضای و کارکنان اداره تذکره در این موضوع غفلت و مسامحه کرده اند خیر بنده اطلاع دارم که آنها هم کمال موافقت را دارند و نهایت جدیت را بعمل میآورند ولی يك فرمول های اداری هست که اینها کار را بکلی فلج کرده است فرض بفرمایند آمده اند گواهینامه ارز میخواهند و ضامن خواسته اند و ضامن ازش گرفته اند

میگویند يك ضامن هم در تهران باید بدهی. این دهائی که از کلات خراسان آمده نه تهران را میداند نه تهرانی را میشناسد و باید یکماه بیست روز در سرمانی سخت زمستان اینجا معطل شود و هر روز واقعا بروید نظمی به بینید چه منظرة رقت آوری دارند برای اینها يك فکری بکنید که زودتر راحت شوند اگر تذکره دادنی است بهشان بدهند و اگر نمیدهند زودتر بهشان بگویند اشکال دارد و بر کردید ده سال بیست سال رفته اند حالا هم نمیروند و لسی بالاخره اینجا بمانند در تهران از بی پولی و بیجائی و بیدوائی خواهند مرد رئیس - آقای دکتر ملک زاده

دکتر ملک زاده - هر چند وضعیت مزاجی بنده مساعد نیست ولی میخواستم در اینده موقع که برنامه دولت مطرح است همانطور که اظهار عقیده کردید مقتضی است در موقع طرح برنامه برای اینکه پایه محکم و اساسی در کار پیدا شود در کلیه مسائل بحث شود این است که يك عده زیادی بعنوان موافق و مخالف اجازه خواسته اند در اطراف برنامه دولت اظهار نظر کنند البته این نظریات فوق العاده نافع است بجهت اینکه فکر مجلس و دولت را بهمدیگر نزدیک میکند تماس این دو قوه است که بالاخره میتواند اصلاحاتی را که ما انتظار داریم برای آتیه کشور تأمین کند عرایض بنده چون بعنوان موافق دولت اظهار عقیده میکنم يك قسمت راجع به بیائالی است که نماینده محترم اظهار داشتند و بعضی نکات هم متذکر شدند که بعقیده من فوق العاده نافع بود و مورد توجه دولت هم هست ولی گفت، من که پس از علم نگویم سخن، علم که آمد بتو گوید چه کن. البته هر وقت دولت مقتدر توانا و متکی بقانون و عدالت درست شد تمام آنچه که بنده و ایشان انتظار داریم انشاء الله درست میشود اصل مطلب این است ایشان يك نکاتی را تذکر دادند که بنده یادداشت کردم یکی راجع به امنیت عمومی است که گمان می کنم این سر لوحه برنامه دولت است و اگر روزی هم نمایندگان فرا کسپوها با هیئت محترم دولت جلسه ای امودند تمام باتفاق نقطه نظرشان و مقصود حقیقیشان تأمین امنیت

مملکت بود حتی بنده در سهم خودم پارا بالانر گذاردم و عرض کردم موضوع امنیت را باید يك قدری وسیع تر در نظر گرفت و آن امنیت در تمام معنای کلمه است و مخصوصاً امنیت شرافتی و حیثیتی در مملکت است برای اینکه مملکتی که حیثیت و شرافتش دستخوش هرج و مرج بشود روی سعادت را نخواهد دید (صحیح است) این است که بنده مقدم بر امنیت طرق و شوارع کردها شهرها و راهها در يك کشوری امنیت شرافتی و حیثیتی و آزادی آن کشور را میدانم و توجه هیئت محترم دولت را باین نکته جلب میکنم. موضوع دیگر که بیان فرمودند مسئله املاک است راجع باملاک يك لایحه قانونی تهیه کرده اند و خواهند آورد و در این جامه و بدست و مذاکره واقع خواهند شد و آقایان اظهار نظر خواهند کرد و البته املاک آنها را باید برده اند باید بهشان بدهند ولی باید دانست اشخاصی هم که ذیحق نیستند نباید در این موقع استفاده کنند (صحیح است) و آب گل آلود بدست بیساورند و بخوانند باملاکی را که با خون اهالی این مملکت شیرازی - اصفهانی یزدی - کرمانی تهیه و آباد شده است دامی انداخته و استفاده کنند (صحیح است) بنده مخصوصاً از آقای وزیر دادگستری تقاضا میکنم که تحت تأثیر بهیچوجه واقع نشوند و آنچه موجب سعادت مملکت است عمل بفرمایند يك موضوع دیگری که نماینده محترم تذکر دادند مسئله انحصارها بود که البته دولت مشغول مطالعه است و یکی هم زیاد شدن بعضی مالیات ها است بنده هم تصدیق دارم که بعضی چیزها اضافه شده و لسی از آن طرف تصدیق بفرمائید عوائد دولت خیلی کم شده است و بالاخره چرخ مملکت را پول میگرداند مسلم است اضافه شدن مالیات بر چیزهایی که برفع مملکت است و چیزهایی که بضر مملکت است فرق دارد مثلاً نان و گوشت و چیزهایی که مورد احتیاج جامعه است نباید اضافه شود ولی سبکبار چیز مفیدی نیست فرض بفرمائید چیزی هم اضافه شود یا الکل مخصوصاً مواد الکلی که حالا تهیه میکنند از دو جهت حرام است یکی از لحاظ شرعی و یکی هم از نظر مواد دیگری که بآن داخل

میکند و هر قدر بر مالیات آن اضافه کنند بعقیده بنده به موقع و بجا است (روحی - باید مجلس تصویب بکند) البته بشیاری از نکاتی که تذکر دادند حقیقه بجا است و جزء برنامه دولت است ولی مسئله توانائی است بایستی دولتی توانا باشد دولت ابتدائی دولتی که همان چیزی را که ما انتظار داریم عملی کند و اقسا قسمت دومی که میخواستم بعرض مجلس برسانم و استدعا کنم هیئت محترم دولت هم توجه خاصی در این قسمت بفرمایند عرض کنم همان موقعی که مملکت در نتیجه پیش آمدهای اخیر دستخوش وضعیت مخصوصی شد و متأسفانه آنشی که در دنیا روشن شد ما از آن نتوانستیم کنار بمانیم و تمام ثلثون مملکت دستخوش هرج و مرج شد و آن قدرت و توانایی که موافق دولت و اوضاع مملکت بود از میان رفت مجلس شورای ملی که حقیقه مرکز اقتدار مشهور مملکت است هم در سهم خودش در نتیجه گذشته باوریکه يك روز هم خدمت آقای رئیس الوزراء عرض کردم که ما يك مجلسی بودیم اجتماعيون افراديون و هیچ گونه سازمان و نظر سیاسی وجود نداشت ما در مقابل يك همچو وضعیتی واقع شدیم و البته تأسیس و تشکیل يك دولتی با يك مجلس انفرادی خیلی خیلی مشکل است این است که بنده تشکر میکنم از مجلس شورای ملی که در آن موقع مشکل حقیقه باینک روح خیلی عالی دست بدست یکدیگر دادند و اکثریتی تشکیل داده شد و تا روز آخر مجلس با کمال صمیمیت حقیقه نسبت بدولت پشتیبانی شد و انجام وظایف شد و يك لوايح فوق العاده نافه هم گذشت امروز يك روز تازه است و بین مجلس و دولت باز عرض میکنم که برای اینکه کار ما يك اساسی پیدا بکند و دولتی که منظور داریم موفق باصلاحات بشود این است که بنده يك قدری بیشتر توضیح میدهم در اطراف نظریات خودم که در روی يك تجر بیات خیلی طولانی در این کشور بوده است سی و شش سال از عمر مشروطیت ایران میگذرد و بنده این سی و شش سال را بدو دوره تقسیم کرده ام یکی دوره افراط و یکی دوره تفریط چرا اینطور است که اغلب ما طرف افراط میگیریم

با طرف تفریط را این را واگذار میکنم بنظر خود آقایان زیرا که همه ماها علت حقیقی آنرا میدانیم علت حقیقی این است که یک ملت که هنوز بر حلقه رشد نرسیده است یا دستخوش افراط میشود یا تفریط یک دوره که اسمش را دوره سستی میگذارم دوره سستی دوره ناتوانی دوره عدم امنیت است قدری هم دوره شاید عوام فریبی این دوره بعقیده من موجود و مؤسس دوره دوم شد یعنی این دوره شدت و دوره جبر که اهل منطبق میگویند یک وقت برای اینکه بفهمیم نتیجه نافع است یا مساعد است باید مقدمات را در نظر گرفت اگر مقدمات خوب شده بود البته نتیجه مطلوب به دست میآمد و اگر مقدمات غلط بود مسلماً نتیجه هم غلط میشود بنابراین اگر این سبک آوقت (و شخصاً تشکیل عقیده خود را بر طرفداری شخص خود را و رفقای خود را از دولت روی این جمله قرار میدهم) اگر سبک حکومت آوقت سبک بی مبالائی سبک حکومت و عدم امنیت برای مملکت نافع بود آن نتیجه را نمیداد یعنی آن درره جبر و آن دوره شدت برای مملکت پیش نمیآمد پس بحکم منطبق آن دوره و آن سبک حکومت برای مملکت نافع نبود حالا بیائیم سر دوره دوم که دوره شدت بود که همه ما درش بودیم و آن دوره را دیدیم که بچه صورتی این مملکت افتاد که باز نتیجه دلیل بر بطلان مقدمات است که اگر دوره نفعی بود و خوب بود برای کشور باین صورت منتهی میشد پس بعقیده بنده ما محتاج بیک دولتی هستیم ما بین این افراط و تفریط یعنی یک دولت مقتدر متکی بقانون (صحیح است) متکی بمساوات بسی اصول مشروطیت بدرجه ای قدرت و اقتدار بدولت داده است که در مقابل هر اشکالی میتواند البته با یک تصمیم قاطعی و با فدا کاری موفقیت پیدا کند این آید آل ما است و تصور میکنم که این فرمول ما باشد و راه علاجی که خیال میکنم برای آئیه ممکن است در خارج و داخل البته پیدا نکنیم بواسطه اینکه اگر یک دولت توانائی داشتیم و موفق با اصلاحات مملکت شد بعقیده بنده بسیاری از اشکالات خارجی ما رفع میشود و اگر خدای نخواسته ملت ایران ابراز داشت که ما اهل نیست با اصول مشروطیت خودش

امور نشان دهد آوقت است که البته بایستی مایوس شد که این دولت قادر نیست که چرخ مملکت را بگرداند تا آوقت ما از دولت پشتیبانی میکنیم ' کمک میکنیم ' همکاری میکنیم و امیدواریم که این همکاری ما منتج به یک منافع مطلوبی باشد که آید آل ما است و همه انتظار داریم بشود البته در اینجا مجبورم یک نکته دیگری هم تذکر بدهم که یک کمک مختصری هم مردم باید بکنند در پشتیبانی دولت و آن قضاوت عمومی است اگر مردم حق را حق بگویند و باطل را باطل بگویند بعقیده من این قضاوت عمومی دولت را به نیکو کاری و امیدوارم جلو گیری بد عملی اشخاص را میکنند اگر مردم هم حقیقه از دولت پشتیبانی کنند باین ترتیب که وضعیت دولت را از راه میهن پرستی تحت قضاوت قرار دهند و از این راه پشتیبانی کنند این سه پایه یعنی اتحاد و اتفاق مجلس و همراهی و سلینداریته دولت بطوری که تشکیل شده است و همکاری مردم ما امیدواریم در این روز بدبختی دنیا در این روزی که هیچکس نمیداند فردا چه صورتی پیدا خواهد کرد و در این موقع که اضطراب و بدبختی سراسر کیتی را فرا گرفته است شاید ما موفق بشویم در سهم خودمان دلومان را از آب در بیاوریم (صحیح است) رئیس - آقای نوبخت ..

نوبخت - دانستن اینکه چه چیز خوب و چه امری بد است یک کار بسیار آسانی است .

شاید در دنیا کسی پیدا نشود که کار بد را مرتکب بشود در صورتیکه معتقد باشد کار خوبی کرده است آدم نرسو آدم خائن - یا آدم دورو و دزد و مانند آنها اشخاصی هستند که میدانند بد می کنند اما در این بد کردن مسئول حقیقی نیستند زیرا اخلاق و علم بآن اندازه کسب نکرده اند که بتوانند از بد کردن خودداری کنند عدم کسب آنها متوجه مرئی آنها است .

علمای اجتماع هیئت اجتماعی را تشبیه به یک فرد و گاه در ساختمان تشبیه بیک جسم کرده اند البته اینجا وقت انقدر نیست که داخل المقوله بشوم همینقدر عرض میکنم که یک ملتی یا یک سازمان دست جمعی شبیه یک فرد است مرئی

این ملت هیئت دولت است و مرئی هیئت دولت قوه مقننه است دولت در بد بودن یا خوب بودن این سازمان اجتماعی دخیل بلکه مسئول است .

چنانچه هیئت مقننه هم در بد بودن یا خوب بودن دولت مسئول است . یعنی مسئول ملت است شاهنشاه ایران نیز این نکته اجتماعی را مکرراً اظهار فرمودند منتهی با عباراتی دیگر و حتی تصریح کردند که همانطور که دولت در برابر شما نمایندگان مسئول است همانطور هم شما در برابر مردم مسئول هستید .

پیدا و بدهی است که ما نمایندگان آقایان وزراء تمام افراد مردم وظیفه دارند که هر یک در این خصوص مراقبت تام و تمام خود را از دست ندهند من هم از این نظریه استفاده میکنم و در باره برنامه دولت آنچه صلاح کشور را می بینم بعرض میرسانم .

تذکر بنده بر روی دواصل است . یکی بر روی برنامه دولت دیگری راجع به بیانات آقای نخست وزیر . بعقیده من برنامه دولت خوب تنظیم نشده است یعنی لازم است بعضی مواد در این برنامه باشد و نیست و بعضی مواد اصلاح است در این برنامه باشد که هست و بطور کلی این برنامه جامع و مانع نیست از جمله مواد این برنامه ماده ایست که حاکی از تکمیل بنسگاههای فرهنگی است این عبارت بر نامه اینست :

' تکمیل و ترقی تأسیسات فرهنگی و اهتمام در اصلاح اخلاق عمومی ' خیلی متأسف هستیم که اجازه اعتراض بکنیم که من از این عبارت چیزی نمیفهمم . اگر مقصود از تکمیل و ترقی تأسیسات فرهنگی کامل کردن مؤسسه ها و بنسگاههای فرهنگی است که خدا بداد این مردم بیچاره برسند زیرا آنچه وزرای سابق و اسبق و سابق بر اسبق مخصوصاً کردند بدون اغراق میتوان گفت قسمت اعظم آنها بر خلاف مصالح مردم بوده یعنی آنها که در این نظام فرهنگی شرکت داشته و مالیات میدادند که برای مصالح آنها صرف بشود تمام بزیان و ضرر آنها صرف میشد و خدا نکند که آقایان نمایندگان

و روش را تقویت کنند یا تکامل و ترقی بدهند اگر از این عبارت مقصود دولت پدشرف امور فرهنگی است که البته لازم است در عبارت آن بیشتر دقت بشود و بعقیده من اگر نوشته بشود پدشرف امور فرهنگی هم بیشتر نزدیک بفهم است و هم جامع و مانع است در موضوع فرهنگ صحبت خیلی هست ولی من باختصار میکوشم. آقای تدین وزیر فرهنگ خودشان خوب میدانند که اگر ما بگوئیم فرهنگ صحیح و حسابی نداریم شاید راست و درست گفته باشیم تنها بطهران نباید نگاه کرد مصالح اجتماعی ما ایجاد میکند که همه ایران را باید بنظر داشته باشیم زیرا نفع افراد بالسویه و مشترک است و همانطور که يك طهرانی حق دارد از فرهنگ این کشور استفاده کند همانطور یکنفر باوچی یکنفر کرد یکنفر لر یکنفر فارسی و غیره حق دارند از همان سود بهره مند بشوند. نظام اجتماعی يك کشوری تماماً برای مصالح تمام مردم کشور ایجاد شده و البته آقای وزیر فرهنگ می دانند که هر چه مصالح عمومی نیست نباید توقع داشت که نظام اجتماعی وجود داشته باشد البته مطابق قوانین منظمی اینقضیه از قضایای مسلم بشمار میرود و می توان گفت هر جا که دیده شد توافق و انتظام وجود ندارد باید تصدیق کرد که مصالح عمومی وجود نداشته است مردم شهرستانها همان را میخواهند که مردم مرکز خواهانند زیرا در این نظام و این اجتماع شرکت دارند شاید در یاری و کمکی هم که بحفظ این اجتماع شده است سهم بیشتری را داشته و دارند ما در نقاط مختلف ایران در قراء و قصبات مدرسه بقدر کافی و لازم نداریم و در پاره نقاط مهم هیچ مدرسه نداریم در همین تهران هم آموزشگاه ما بسیار کم است و دبستان خیلی خیلی کم داریم نمی دانم بعضی از اولیاء اطفال بکدام يك از نمایندگان محترم مراجعه نکرده و برای بچه های خود توصیه بفرهنگ بخوابسته اند که اطفال ما را بمدرسه بپذیرید به عقیده من بجای اینهمه عمارت و بناهای شامخ که برای دانشگاه و سایر بنگاههای فرهنگی ساخته شده و میشود و می توان گفت که بیشتر آنها خالی و بی سکنه مانده است دبستان باید تهیه نمود ساختمان

که : کرد ها با آن شانه های مستوی و چهره های کشاده آریائی و دلاوری جبلی و جرأت و شهامت بهترین نمونه ملت آریای ایران بشمار میروند اینرا تنها نمیگویم اینرا تمام علمای انساب و نژادشناسان گفته اند. ارها با آلهجه معقول با آن پهلوانی و شجاعت طبیعی.

قشقائی ها با آن هوش سرشار با آن تندى قریحه با آن نجابت فطری با سایر طوایف ایرانی همه یکی و یگانه هستند هیچوقت نمیتوان گفت که تنکستانی و دشتستانی دلیر نیست یا خدای نکرده دد و شریر است زیرا این مردم که غالباً اسکان آنها صورت عملی گرفته بمراتب احساساتشان پالتر طرز فکرشان قویتر و تعصب ملی و غرور ایرانی آنها با ضعاف مضاعف از بنده که شهری هستیم بیشتر است.

عدم توجه زمامداران وقت آنها را از کسب فضائل امروزی باز داشته آقایانی که سالهای متمادی وزیر فرهنگ بودند و فکرشان تماماً متوجه ظاهر سازی بود میخواستند يك توجه کوچکی هم بکرد و لر و قشقائی و سایر طوایف و ولایات ایران بکنند. اداره تبلیغات که متأسفانه هنوز هم هست با ملیونها پول اینکشور میخواست يك ناطق برای ارها و کردها بفرستد من نمیدانم چرا اینقدر اشتباه میکنیم ؟ چرا کرد و لر و قشقائی را دد و شریر میخواهیم دد و شریر و مغرض آنکسی است که پول کشور را که با آنها همه خون چکر تحصیل شده است و همان کرد و لر و قشقائی پرداخته است بزور صرف بی عفتی يك مشت مردم نموده اسمش را ورزش شناوری و پیشاهنگی میگذارند یا حق التالیف بخویشان و رفقای خود میدادند ایکاش يك اثر خوب يك تألیف صحیح و درستی هم نشان داده بودند من نمیدانم کدام يك از مردم این کشور راضی بودند که وزارت فرهنگ دخترشان را بزور برای پیشاهنگی ببرد یا عور و برهنه در استخر فلاجهای بشناوری وادار کند. چقدر پدر و مادرها نام ببرم که آنها را بحکم وزیر فرهنگ به حبس بهانه جوئی بسپاه چال شهرسانی برده اند این گناهها را کی مرتکب میشد ؟ شاه سابق ؟ نه اینها را وزارت فرهنگ میکرد و شاید هم تمسک داشت که این بیداد

را نسبت بمردم ایران روا دارد همان وزرائی که جوانان و دانشجویان اینکشور را باسامی مختلف در زندان می افکنند و جان آنها را می گرفتند. هنوز بسیاری از مادرها و پدرها لباس سیاه بر تن دارند و باین مبرغضبها که آماشان وزیر بود نفرین میکنند حتی از رئیس مدرسه ارامنه هم نگذشتند و يك مرد فاضل و معلمی را بی گناه پنجسال بزندان برده و نگاهداشتند در عوض اینکه برای آنها که خودشان را از حیث مذهب در اقلیت میدانند مدرسه درست کنیم و نظر آنها را که از همه جا بما متوجه است بطرف خود معطوف داریم بجای آنکه با آنها کاملاً ثابت کنیم که تاریخ ایران را نمیتوان تغییر داد و آنها در هر جا باشند ایرانی بوده اند و هستند در عوض اینها ما کرد و لر و بختیاری و ارمنی و گیلانی و آذربایجانی و فارسی را سعی کردیم که از یکدیگر بیزار کنیم و بدبختانه از تاریخ هم استفاده نکردیم در چندسال پیش یکی از رؤسای روحانی کلیسای جلفای اصفهان برای من گفت که ما با آنکه میدانیم شاه عباس مسیحی بوده است در عقب هر نمازی برای او طلب مغفرت میکنیم و این جزو مراسم مذهبی ما شده است زیرا آن پادشاه عادل میان رعایای خود فرقی نگذاشته است. همین آقای دکتر صدیق که دو روز متأسفانه وزارت فرهنگ بپسنگشان افتاد نمیدانم چرا براه کج رفته پولی را که از پادشاه کشور برای فرهنگ حقیقی کشور می گیرد میخواست خرج یکمشت امریکائی بکند که بکشور ما بیایند و خدای بخوابسته فرهنگ ما را اصلاح کنند چرا این پول را صرف پرورش همین کرد و لر ها نمی کنید ؟ چه طور شما پرورش نژاد اسب را قائل هستید اما از پرورش هموطنان خودتان که با کی نژادشان آلوده شده و خویشان اختلاط پیدا نکرده صرف نظر میکنید آفرقت هم آنها را دد و یاغی میخواهید ؟ چرا با این پول يك عده آموزگار فقیر و ناتوان را همراهی نمکنید ؟ چرا برای يك دسته از جوانان این کشور که قادر بخرج تحصیل خود نیستند و سراغ داریم که بعضی از دانشجویان مدرسه کشاورزی که از کرج بتهران آمده اند و سکنه ندارند محرم میکنیم که عرض کنم در پشت

کوچه ها میخواستند که يك خرج نمیدهد چرا در بلوچستان یا مسکران که يك قلمه پهناوری از ایرانست و میتوان گفت از حیث استعداد هندوستان ایرانست چندباب مدرسه تأسیس نمیکند. دشت یاری شهری از بلوچستانست که از حیث آبادی و جمعیت یکی از آهنگه مهم است هنوز يك دبستان چهار کلاسی هم ندارد بنده اطلاع دارم که در همین ادوار تاریخی وزارت فرهنگ يك نفر از اشخاص معارف دوست عریضه بشاه سابق عرض کرده و نوشته بود که حاضر است يك باب مدرسه در دشت یاری با پول خودش تأسیس کند فقط خواهش کرده بود که وزارت فرهنگ اجازه بدهد و مانع او نشود حالا به بینید چه طور شد از طرف دفتر منسوس جوابی باو داده شد که اعلیحضرت بوزارت فرهنگ امر فرمودند که اجازه بدهند وزارت فرهنگ نه تنها بخوابش او توجهی نکرد و نه تنها نگذاشت مدرسه تأسیس شود بلکه با اشاره او آن مرد بیچاره در تحت بازجوئی شهربانی و امنیه افتاد و يك سال او را محاکمه و سر و کپسه میکردند که چرابشاه کاغذ نوشته است مقصود اینست کشوری که این طور است میسیون آمریکائی لازم ندارد بچه های بلوچی که لخت و عور زنگی کرده باور کنید که سر ایلخت زندگی میکنند و يك دبستانی ندارد که در آنجا تحصیل کنند من میدانم میسیون آمریکائی برای آنجا چه خواهد کرد؟ آمریکائی لازم نیست که پول بدهند بیایند آنها حاضرند مفت و بجهانی بیایند زیرا پیش از آنچه مذهب و معلم باشند آنها مبلغند بر فرض تمام ساز ماها و مؤسسات فرهنگی ما در اقصی نقاط ایران مثل تهرانست یا تاسرحد امکان معارف مانرفی یافته و دیگر فکر ایرانی قادر نیست مثلاً فرهنگ را پیش از این ترقی بدهد با این فرض محال بنده هیچ لازم میدانم که میسیون آمریکائی بشکورت ما تشریف بیاورند و لازم نمی بینم که ثابت کنم که فرهنگ ایران از زمان زردشت تا حالا و فرهنگی که برای ایران لازم است هیچگونه سازش و شناسائی با فرهنگی که مثلاً آمریکائیها می خواهند برای ما درست کنند ندارد. ما محتاج فرهنگ بین المللی نیستیم هر نوع از انواع تربیت با يك محیط و يك

لازم میدانم که موقع را مغفتم شمرده آقای وزیر فرهنگ را متذکر نمایم که اخیراً شنیدم آقای دکتر صدیق در وزارت چند روزی خود قانون مطبوعاتی نوشته اند. آقای تدین شما خودتان روزنامه نویس بوده اید و گمان نمیکنم کسی بقدر شما با فرهنگ اینهمه ملکات آشنائی داشته باشد شما آیا می توانید باور کنید که قانون مطبوعاتی را که دوسه نفر آدم بی اطلاع مینویسند ببرد کشور خواهد خورد؟ اولاً قانون مطبوعاتی که داریم به عقیده من هیچ اصلاحی لازم ندارد و ثانیاً اگر ضرورت بیاید من شخصاً امیدوار هستم که در تحت نظر خود شما و ارباب جراید و آنهاست که سابقه و اطلاع دارند نوشته شده آنوقت به مجلس بیاید تا ما هم که دیدیم قانون مطبوعات صحیحی است و البته امیدواریم چنین باشد آنرا تصویب کنیم مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم موضوع جرائد و مجلات است از قراریکه اطلاع بافتام عدز یادی از نویسندگان خواسته اند روزنامه خود را مجدداً بطبع برسانند و گویا دولت جلو گیری نموده است الحمدلله دولت مشروطه ملت آزاد اما روزنامه را اجازه نمیدهم! البته آقای وزیر فرهنگ در این ممانعت شرکتی نداشته اند و روی سخن من با آقای نخست وزیر است که امروز نخست وزیر يك کشوری هستند که نامش مشروطه است و عقیده مند هستند که در مملکت آزادیست آقای نخست وزیر خیلی پیشتر آزادی را در کتابی که بنام حقوق اساسی نوشته اند کاملاً شرح و بسط داده و بی مناسبت نیست که برای یادآوری خودشان چند سطر از آن کتاب را برای خودشان قرائت کنم تا انشاءالله از اینجا که تشریف بردند بشهر بانی امین بدهند که از طبع و نشر جرائد جلو گیری نکنند. در این کتاب در صفحه ۱۳۰ در ضمن مسئولیت دولت مینویسند: " توضیح آنکه افراد ناس با لفظه و با لطمه بعضی حقوق عمومی دارند که دولت باید آنها را رعایت کند بطوریکه وضع قوانین و اجرای آنها منافی حقوق مزبور نشود زیرا که بنای دولت برای حفظ همین حقوق نهاده شده و اگر غیر از این کند از وظیفه خود خارج و متعدی شده است" ذیل اینمطلب مینویسند صفحه ۱۳۰ حقوق عمومی

ملت مجموعاً در تحت دو عنوان در میآید اول آزادی دوم مساوات. بعد در ضمن تعریف آزادی مینویسند (در صفحه ۱۳۲) حصول آزادی برای ملت موقوف به داشتن بعضی اختیارات است و اصول آن اختیارات از اینقرار است: اختیار نفس و اختیار مال اختیار منزل اختیار کار و پیشه اختیار عقاید اختیار طبع و اظهار افکار اجتماع و تشکیل انجمن انوقت در صفحه ۱۴۴ در معنی اختیار طبع و اظهار افکار بعد از آنکه تعریف کافی برای این قسمت میفرمایند تصریح میکنند: سلب اختیار اظهار افکار علاوه بر آنکه ظلم است مفسده بزرگی هم دارد و آن اینست که انسان چون در اظهار افکار خود مختار نباشد ناچار دروغگو و مزور و فاسد الاخلاق میشود بنا بر این امروز در دول مقصدنه یعنی نزد ملل آزاد اختیار طبع و اظهار افکار برای همه کس حاصل است و از لوازم مشروطیت محسوب میشود. غریب این است که نوشته اند و مستبدین با انواع مختلف این حق را از مردم سلب می کردند یکی از طرق ممانعت آزادی مطبوعات این بود یعنی در دولت مستبدانه دائر کردن چاپخانه و کتابفروشی را موقوف با اجازه دولت نمایند و طریق دیگر اینکه طبع کتب و اوراق و جراید را موقوف با اجازه می کردند. بعد از آنکه طریق دیگر بر اهم ذکر میکنند حتی مینویسند که (صفحه ۱۴۵) امروز در دول مشروطه ترتیبات مذکور موقوف است و هر کس در دائر کردن مطبوعه و کتابفروشی و طبع اوراق و جراید بهر وسیله بخواند آزاد میباشد همین قسم در باره اجتماعات.

معلوم نیست چرا از اجتماعات و انجمن ها جلو گیری میشود در صورتیکه خود آقای نخست وزیر از همه بهتر میدانند که وقتی گفتند آزادی است و مشروطیت رعایت میشود باید مردم را هم از تجمع و تشکیل احزاب جلو گیری نکنند اینموضوع را هم باز خودشان در همین کتاب ذکر نموده اند مضحک است که مجلس شورای ملی داریم و فراکسیون داریم اما حزب نداریم دیگر از مواد این برنامه تجدید نظر در سازمان قوای تأمینیه و تکمیل وسائل امنیت است. کشور ما البته احتیاج مبرمی باصلاحات زیادی دارد و

ملتی مناسب است ما فرهنگی می خواهیم که اشخاصی مثل ابن مسکویه ایرانی مثل ما کیاول ایتالیائی مثل نیچه آلمانی مثل مستر برنارد شو انگلیسی تربیت کند و بقول اسپنسر انگلیسی که از مریبان دنیای بشریست هر ملتی از تربیت چیزی می خواهد و نظری دارد که مخصوص بخود اوست ما که ملت ایرانرا تشکیل میدهم از کرد وار و بختیاری و فارسی و مازندرانی و آذربایجانی و غیره و غیره از خاور بباختر از جنوب بشمال يك ملت هستیم و نا امان ایرانی است و سلیقه فرهنگی ما همانست که ژنرال ساکس انگلیسی مورخ معروف یاد کرده است که ایرانیان پدر ملت آریا و معلم تمام دنیا بشمار میروند پس محتاج نظریه سخیف و سست امثال دکتر صدیق نیستیم و از آقای وزیر فرهنگ که مرد مطلعی هستند انتظار داریم که امر بفرمایند میسیون آمریکائی صدیقی باین کشور تشریف بیاورند. دیگر موضوعی که میخواستم با آقای وزیر فرهنگ تذکر بدهم اینست که مسکرا شنیده ام که هنوز بعضی از دانشجویان را با اداره آگاهی میبرند و از ایشان بازجوئی می کنند و در روزنامه چند روز قبل هم اشاره باین موضوع شده بود اولاً که دانشجو در همه جای کیتی محترم است ثانیاً اینکه بعضی از آقایان نمایندگان و بسیاری از مردم که صریحاً دوره سابق را انتقاد و خرده گیری میکنند بیشتر تکیه انتقاد شان بر روی همین اعمال و رویه شهر بائها است که مردم را بی گناه جلب می کنند و حتی بزندان می برند شنیدم هم روزی که شاهنشاه ایران برای افتتاح به مجلس تشریف می آورد دبیری محترم را از سر کلاس با اداره آگاهی جلب نموده از او بازجوئی کرده اند

همین امروز شنیدم که چند روز پیش در دبیرستان البرز چند نفر را مأمورین کلاتری دستگیر کرده و حتی دست بند بست آنها زده اند من هنوز نمیتوانم باور کنم که آنها دانش آموز بوده اند بعقیده بنده اگر دانشجو یا دبیر یا استاد یا آموزگار کاری برخلاف مرتکب شد باید اولاً وزارت فرهنگ رسیدگی کند نه شهربانی اگر لا محاله باید شهربانی او را جلب کند اقلماً باید با اطلاع وزارت فرهنگ باشد. باز ه

اساس و شالوده این اصلاحات البته استوار نمیشود مگر آنها که عامل این اصلاح شناخته میشوند خودشان اصلاح طلب باشند از آنجمله که خودش موجب نا امنی میشود نباید انتظار داشت که رعایت کشور و سیازمان آنرا در مد نظر داشته باشند. از شهر داری که انجمن های منتخبه او را بریاست بکارند نباید منتظر بود که با احتیاجات شهرها رسیدگی نموده آنرا که لازم است بمورد عمل در آورد از فرماندار یا استانداری که طماع باشد نباید انتظار عدالت و درستکاری داشت و بسا آنها نمیتوان احتیاجات مردم را رعایت نمود و هر قدر هم که قانون سازمان کشور خوب و پسندیده ساخته و پرداخته شود در هنگام عمل تحریف و تصحیف میابد. موضوع خواربار و امنیت کشور پیش از همه نوع اصلاحی مورد رعایت و دقت است. آقای نخست وزیر هم در ملاحظه باین نکته اشاره فرمودند و بعقیده من در اینخصوص اطمنان و تعویلی لازم نیست خوبست امنیه کشور را که شاید در آینده عامل مهم این سازمان بشمار میرود بدست مرد امین و درستکاری سپارند که در افراد و کارمندان و مأمورین خود دقت کامل کرده از نوع خود انتخاب نماید و در عوض يك اتومبیل چهار اتومبیل لوکس از آخرین سیستم برای وجود شریف خودشان اختصاص ندهند

افراد امنیه که در بعضی نقاط بلوچستان و کویر هشت فرسخ به هشت فرسخ پست دارند و هر پستی از هر طرف تا هشت فرسخ آب آشامیدنی وجود ندارد بیشتر محتاج اتومبیل هستند یا رؤساء محترم که چهار اتومبیل قطار کش در دولتسرای ایشان ایستاده باشد همین سال پیش بود که يك نفر امنیه بی چاره در یکی از پست ها دو روز تشنه مانده بود اتفاقاً اتومبیل بارنی عبور میکرد آن بیچاره برای تحویل آب جلو اتومبیل ایستاده و پای او از کمر قطع شد و جان داد و شاید آقایان رؤساء هم اندک تأثیری پیدا نکردند آقایان رؤساء و وزراء که تازه برسر کار میآیند از تشکیلات جدید فقط همین نکته را آموخته اند که چند اتومبیل بخندید از آخرین سیستم برای خودشان و خانواده شان از پول مردم رنجبر ابداع کنند و بس و باین ترتیب هرگز کشور اصلاح نخواهد شد سابقاً ما خواستیم در باره ایلها و عشیره ها حکم اسکان را

خدای نکرده زندانی نیستند و گناهی نتوانسته اند از برای آنها معین کنند مثلاً یکی آمده است بروی به مشهد زیارت چون به طهران رسیده است و فهمیده اند که از ایل قشقایی است باو گفته اند که در همین طهران باش و لازم نیست برگردی. دیگر بر آنکه دانسته اند مثلاً نامش رستم خان یا فرامرزخان است گفته اند آه آه این ناپاک معلوم میشود آدم شریر است والا اسمش چرا رستم خانست پس تو هم حق نداری از طهران خارج بشوی دیگر بر آن بنحو دیگر از همین مقوله توقیف کرده اند

من وقتی حال رفتم در این جماعت را دیدم فوق العاده متأثر شدم چندی پیش به آقای جهانبانی وزیر کشور آنروز موضوع را شرح دادم ایشان هم اصلاً دلشان سوخت و متأثر شدند و به من گفتند خوبتر تفحص کنید اسامی آنها را بنویسید بمن بدهید آنها را مرخص میکنم بنده بوظیفه وجدانی خود عمل کردم اسامی ایشان را بخدمتشان دادم بر خودشان هم معلوم شد که آنها بی تقصیرند به من هم گفتند که الآن بشهر بانی مینویسم که آنها را رها کنند در این بین کابینه سقوط یافت و بعد وزیرری دیگر برای کشور معین گردید با آقای جهانبانی که وزیر راه هستند و سابقاً وزیر کشور بودند عرض کردم که این موضوع را با آقای وزیر کشور جدید سابقه بدهید همان روزی که آقای نخست وزیر آقایان را برای معرفی به مجلس آورده بودند آقای جهانبانی قول دادند که با آقای وزیر کشور خواهم گفت یکی دو روز گذشت اثری از آثار مرخصی این بیچارگان ندیدم ناچار با آقای جهانبانی تلفن کردم گفتند ایشان رؤسا را بار داده اند و نمیشود خدمتشان رفت گفتم بسیار خوب.

به آقای وزیر کشور تلفن کردم پیش خدمت اظهار کرد که شریف دارند بعد که پیام دادم برگشت و گفت حضرت اشرف متوالت شده اند. من میدانم چرا شهر بانی دست از گریبان این بدبخت ها بر نمیدارد.

اگر کنایه کارند آنها را بناد کسای ببرند بدار هم بیابوزند اما آدم بی گناها را که کسی توقیف میکند. خدا میداند اگر این بدبختها و امثال آنها رها نکردند دولت را استیضاح خواهیم کرد. موضوع مهم دیگر که در

اصلاح فعلی کشور بسیار مؤثر است موضوع خواربار است آقای نخست وزیر در ضمن بیان متین خود بما مرثیه دادند و فرمودند برای چندین ماهان شهر تهران تأمین شده است و البته باز هم اهتمام خواهد شد که اشاء الله خاطر همه از اینبات آسوده بوده و زحمتی وارد نیاید و تکراری در هر صورت نباشد.

بنده میدانم جناب آقای نخست وزیر آیا خبر دارند که در ولایات و ایالات و قریات و شهر های دور دست ایران برای آنروز چه عمدهای بریاست یا نه؟ من از تکرار آنها و اطلاعاتی که در این موضوع دارم حقیقه شرم میکنم که چیزی عرض کنم مردم ایران شاید انتظار داشتند که رئیس دولت بخارشان متوجه باقی نقاط ایران باشد نه تنها طهران ایران عبارت از طهران نیست برج ماش در جوار بر ماشیر جزو ایران است که خوراک مردمش امروز یونجه است بلی مردم در بعضی از نقاط جنوب یونجه میخورند. در بعضی از نقاط مسکان و سواحل جنوب مثل چاه بهار و ننگه قحطی عظیمی حکم فرمست بوحیوانات و چارپایان خود عوین علف و جوماهی میخورند اینسکه خوراک چارپایان است خوراک مردمش معلوم است که چیست؟ در دشت یاری که زمین حاصلخیزی است انسان پیدا نمیشود در بعضی از نقاط بلوچستان و بندر خوراک مردم پوست پاره و چرم حیوانات است خوراکی که مردم اصفهان هنگام محاصره افغانها داشته و ما در تاریخ میخوانیم و بزمامداران آنوقت بی میگوئیم.

از خاشاک به من نوشته اند که در اداره تثبیت غله گندم زیاد در ایلها موجود است مردم برای کاشتن حاضرند خرواری هم تصد ریسال بخرد و اداره میدهد. همین طور اطلاع دارم که در زنجان دو هزار کیسه پنجه کیدلوی قند در ایلها موجود است که نه به صرف زنجان میرسد نه بسایر نقاط ایران حمل میشود. البته در سازمان کشور و اصلاح آن سخن بسیار است درد های بی درمان آنقدر هست که انسان از شهر دست آنها عاجز است دیگر چه حاجت است که شرح بدهد. يك اتفاق ناگهانی که در پیش چشم خودم واقع شد و خیلی از

آن متأثرم بعرض آقای نخست وزیر و آقای وزیر کشور می‌رسانم که شهرداری را متنبه و متوجه نمایند. در هیچ جای دنیا دیده نشده که سیم برق اخت در خیابانها کشیده شود. در خیابانی که منزل من واقع است چند روز پیش در پیش چشم یک بچه که از مدرسه بر میگشت کشته این بی‌قیدی و لاپابالی گری شهرداری شد. اتومبیل باری عبور کرد سیم برق را پاره نمود سیم در خیابان افتاد بچه که از مدرسه می‌آمد از پهلوی او عبور کرد و باو اسابت نمود و در پیش چشم جان داد. دیگر از مواد این بر نامه تکمیل راهها و گزاه آهن در حدود استطاعت کشور است.

در خاطر من است در دوره ششم یا هفتم لایحه راه آهن به مجلس آورده شد و معارج و مورد تصویب واقع گردید در اطراف آن لایحه مذاکرات زیاد شد بنده هم در پاره مذاکرات شرکت داشتم آقای ندین هم وزیر فرهنگ بودند و در این مجلس تشریف داشتند از این وع راه آنها که امروز در برنامه دولت نوشته شده است اسمی در آن لایحه برده نشده است. من اطلاع پیدا کرده‌ام که اکنون از شهر راه آهنی باهولز کشیده میشود من میدانم از خبر مشهور تا سله‌ها و برای ما چه ضرورتی دارد؟ همچنین در روزنامه ها خواندم که از قزوین بهمدان و کرمانشاه و خانیقین خسروی خطی کشیده میشود که راه آهن عراق وصل میگردد. بدبختانه آنچه مایه پیشرفت و ترقی ملل دنیا است برای ما مایه بدبختی و تنزل میشود. امروز که لایحه راه آهن را به مجلس آوردند در دوره شش یا هفت هم هیچ در مخیله ما خطور نمی کرده که راه آهن سبب بدبختی ما بشود حالاً هم میخواستم عرض کنم اگر راه آهن وسیله خوشبختی یا وسیله بدبختی بود هر چه بود همینقدر بس است دیگر لازم نداریم که از کیسه یک مشت مردم فقیر و ناتوان وسایل آسایش دیگران را فراهم کنیم ملتی که نان ندارد راه آهن میخواهد چه بکند و محققاً گمان میکنم باید دولت از مجلس در اینخصوص اجازه بگیرد زیرا این عمل عادی نیست. خیلی تعجب میکنم در این برنامه دولت نامی از ارتش برده نشده است آقای

نخست وزیر خیلی بهتر از من معلوم اجتماعی آگاه هستند و یقین است که متین ترین و محکمترین پایه که حیات ملت بر او استوار است نظام ارتش است و ممکن است گفته شود که اگر مات را بمنزله یک جسمی زنده تصور کنیم ارتش او بمنزله استخوان بندی انجسم بشمار میرود و انحلال او موجب انحلال تمام اعضاء جسم است. پس حساسترین و دقیقترین نظام هر ملتی نظام ارتشی اوست اگر مصداقی برای جسم بیجان بتوان پیدا کرد همان کشوریست که ارتش ندارد. نه تنها باید باین رکن محکم اتکاء داشته باشیم بلکه عقیده من آنست که باید سایر سازمانهای خود را نیز با او وفق بدیم یعنی مطابق از بکنیم و انضباطی را که در ارتش است در همه جا رعایت نمائیم متأسفانه روز کاری برای ما پیش آمده است که آن نظام وقاعده پیش بهم خورده حالاً برای نظم تازه و نوین باید خیلی دقت کنیم. شکی نیست که یک ملتی تا زنده است قوه دفاعی لازم دارد و این مسئله در علم اجتماع ثابت شده است اما شرط این قوه دفاعی آنست که قائم بذات باشد.

از یک طرف بنده می‌شنوم که متأسفانه پاره از ادارات ارتش و بعضی از قسمتهای مهم را منحل میکنند از طرفی دیگر با شدتی هر چه تمامتر در طهران بلکه تنها در اطراف تهران و بعضی قسمتهای جنوب بگرفتن افراد برای نظام وظیفه مشغول هستند این کار هم بی شباهت به جنگ کردن ما نیست در عین حال که با قوای مهاجم جنگ می‌کردیم در همانحال هنگها و لشکرها و تیپ‌ها را منحل میکردند و افراد را حکم مرخصی میدادند و مردم از هر طرف بفرار از طهران تشویق میشدند بنده اطلاع پیدا کرده‌ام که بیرونی در نائی ما را بکلی منحل کرده‌اند چند روز پیش هم در جراید خواندم که اداره بازرسی ارتش را هم منحل کردند و ریش و قیچی را بدست یک نفر سپردند گویا اخیراً توپخانه دریائی سدو پنج بلند کارخانجات مهمات کارخانه طیاره سازی اسلحه سازی مسلسل سازی تفنگ سازی فشنگ سازی هم را منحل کرده‌اند در بعضی جاها تیپ‌ها را مبدل به هنگ و لشکرها

را مبدل به تیپ نموده‌اند و میدانم این کارها با اجازه کمی صورت گرفته است اینها تماماً قابل استیضاح است. مضعک اینجاست که لشکر خوزستان را مبدل به تیپ کرده‌اند آنوقت سرلشگریکه رئیس لشکر بوده است امروز رسمیت تیپ را دارد گویا در برابر شهادتی که کرده بدرجه سپهبدی رسیده است آنچه اطلاع دارم اینست که در جنوب تنها قوه که فداکاری کرده است و آخرین نفرات خود را قربانی نموده تنها بیرونی دریائی بوده است که امروز آنرا منحل کرده‌اند و از عطا به شاهانه هم که برای این نوع افراد و بازماندگان آنها اعطای شده است بافسرانی داده شده و میشود که در تهران راست راست راه میرفته و در خیابان لاله زار قدم میزدند یا در همان چند روز های کذائی مردم را بفرار تشویق میکردند بافسرانی که در طهران بوده‌اند یا خوب از جنگ گریخته اند هر یک یک هزار و دو بیست و پنجاه ربال مزد فداکاری با آنها داده شده اما بخانواده آن استوارها و گروهانها و آن افراد فداکار و حتی بخانواده آن افسرانی که از جان گذشته جنگیده‌اند و جان خود را فدای وطن خود کرده‌اند هیچگونه توجهی نشده است یا اگر شده است خیلی نادر و مختصر.

ناوبان یک هریس چی آذربایجانی که ناوبندک نهد تنی باوسپرده شد بود و بیست و شش سال بیشتر از عمر او نگذشته بود با ناوی که در حدود سه هزار تن بوده است جنگ کرده و با تمام عده و افرادش همه کشته شده‌اند. من میدانم از این عطیه ملوکانه بخانواده این افسر فداکار و این افراد فداکار چه رسیده است؟ از خانواده ناخدا سه میلانیان ناوبان یک که نمونوی ناوبان یک ریاضی و بالاخره از خانواده دریا سالار بایندر و ناخدا نقدی و سرهنگی لشگری در قسمت دیگری چه قدرانی شده است؟ بنده اطلاع یافته‌ام که ناوبندک و ناوبر و ناوبندک غرق شده‌اند و افراد آنها هم کشته شده‌اند خوب آقای وزیر جنگ درباره سایر ناوها توضیحی بدهند که آنها در چه حالند و چرا بیرونی دریائی ما را منحل کرده‌اند و با اجازه کمی این کار صورت گرفته است؟

البته اینها متعلق بیک ملتی است که با خون جگر تهیه کرده است و ما هم که نمایندگان مردم هستیم باید مستحضر باشیم مثلاً می‌شنوم که میخواهند لباس دانشکده افسری و شاید بعد از آن سایر قسمتهای ارتش را عوض کنند و بشکل هائی در بیاورند که بهیچوجه صلاح ما نیست درباره لباس پلیس هم همین را شنیدم و کلاه جدید آنها را هم دیدم آقایان! مغزها و فکرها را عوض بکنید.

مردی که هیچ جامعه ندارد با اتفاق

بهرتر ز جامعه که درو هیچ مرد نیست اتومبیل‌های لو کس عالی لباسهای یراقدار براق حمایت‌های رنگارنگ و نشانهاییکه بعوض لیاقت بهر نالایقی داده شده بدرد امروز ما نمی‌خورد باید ما افرادی درست کنیم که دلیر و توانا باشند و الا لباس را برتن چوب بکنید چه تأثیری دارد؟ مهمتر از آنچه عرض کردم نخستین ماده این بر نامه است چنانچه در مقدمه یاد آور شدم اکنون در خاتمه گفتار خودم عرض میکنم که ذکر این ماده در این بر نامه هیچگونه ضرورتی ندارد به عقیده من نه در عدم ذکر آن ضرر نیست و نه در ذکر آن نفع و فائده موجود است و بالاخص معنای آن بهیچوجه برای من و شاید بعضی از رفقای من معلوم نیست مثلاً این عبارت که نوشته‌اند:

« دولت با رعایت کامل مصالح کشور مقتضی میداند با دولت هائیکه منافع ایران با منافع آنها ارتباط تام دارد « من میدانم چگونه منافع ایران میتواند با منافع آنها ارتباط داشته باشد شاید بر عکس باشد و منافع آنها با منافع ایران ارتباط تام داشته باشد زیرا ما یک کشور بیطرف بوده و هستیم.

در این عبارت که ذکر شد باید آقای نخست وزیر دقتی کامل مبنی بر مایند زیرلعن عقیده دارم که ایشان مردی هستند دانا و هم قادر و توانا هستند که اینگونه مواضع را بهتر از این حل و تصفیه نمایند.

در موضوع کلمه همکاری از دیک نیز بنده نمی‌فهمم و به عقیده من بهتر این است که در برنامه خود از این مقوله چیزی یاد نفرمایند.

تدین (وزیر فرهنگ) - نماینده محترم بطوریکه اظهار فرمودند چهارده سال است صحبت نکردم...

وزیر فرهنگ - از آن تاریخی که بنده رئیس بودم تا حالا بیش از ۱۴ سال است شما فرمودید ۱۴ سال شما شخص ادیبی هستید میدانید در موقع سخن گفتن تا متکلم صحبتش تمام نشود...

نوبت - صحیح است. معذرت میخواهم.

وزیر فرهنگ - بسیار خوب پس از این مرحله میگذریم.

امروز گرچه يك عده بنام دولت و جمعی هم از آقایان بنام نماینده ملت هستند ولی در واقع همه ماها ایرانی هستیم و هیچوقت میل نداشته ایم و میل نداریم ایران ما خراب و ویران باشد (نمایندگان - صحیح است) امروز هم عقیدمان این است که باید سعی کنیم کوشش کنیم خرابی هائی که در سابق بوده است جبران شود و ترمیم شود بنابراین فرمایشات ایشان را بنده بپذیرم و تقسیم میکنم جزء اول مشتمل بود بر تاریخ ایام گذشته که آنرا هم آقایان میدانند و امروز هم اینجا تکرارش بنظر بنده مورد ندارد آنچه لازم است در این مجلس مورد بحث واقع شود توجه خاصی است با اجرای این برنامه که امروز این هیئت دولت تقدیم مجلس کرده و مورد بحث است معایب را همه میدانیم ولی جزء تاریخ گذشته محسوب شد و صحبتی که ایشان داشتند مربوط بشکایاتی بود که البته شاید هم باشد و بنده تصدیق میکنم که هست يك قسمت هائی ولی بنده گمان میکنم از نظر عمل بهتر این است که هر يك از نمایندگان محترم یا اشخاص خارج بدو اشخاص وزیر مربوطه یا اداره مربوطه رجوع کنند (صحیح است) و این را بنده نسبت بسهم خودم و از طرف همکاران محترم خود عرض میکنم ماها همه معتقدیم که از این تاریخ به بعد قانون فقط حاکم بر همه هست و باید باشد (صحیح است) و بنده بطور آشکار عرض میکنم که اگر خدای بخواند آنچه از بنده خلاف قانونی سر زد با کمال میل حاضر خواهم بود که به بنده تذکر دهند که خطی و

خطائی نسبت با اجرای قانون نکنم و همینطور بطور قطع میدانم که رئیس محترم آن آقایی فروغی هم همین قصد را دارند و رفقا و همکاران بنده هم همین عقیده را دارند پس بنا بر این اگر شکایتی از يك مدرسه یا يك اداره هست بهتر این است اول بخودم رجوع کنید بنده نماینده حقیقی همه آقایان و يك آمری هستم برای اجرای قانون و بشمام رؤسای وزارتخانه هم گفته ام که از این تاریخ به بعد قانون حاکم بر همه است آنها اختیار تمام دارند ولی در حدود قانون که وظائف خود را انجام دهند امروز دیگر وزیر ماشین امضاء نیست وزیر باید ناظر جریان ادارات وزارتخانه خود باشد تا امور بجریان طبیعی خودش سیر کند و وارد شود اما خودتان میدانید هر عملی زمان لازم دارد وسائل میخواهد امروز اوضاع مملکت خودتان را با وسائلی که داریم این ها را باید در نظر بگیریم اگر نسبت بر رعایت اوضاع و احوال و مقتضیات امروزه قصوری شد نظامنامه مجلس را که آقایان میدانند و بنده هم بنوعی اطلاع دارم را در باز کرده است شما میتواند بخود وزیر مراجعه بفرمائید اگر احیاناً مطابق میلتان نشد سؤال کنید و بتوسط مقام ریاست مجلس بوزیر مسئول اعلام میشود او هم میاید و جواب میدهد و اگر خدای بخواسته يك کاری را بد کرد میتواند استیضاح کنید و این ها که فرمودید اکثر مسائل استیضاحی بود و استیضاح هم میدانید شرایط مخصوص در نظامنامه دارد بعد از این امیدوار هستیم همانطوریکه گفته شد قانون بر همه ما حکمفرما است نظامنامه مجلس هم حاکم بر همه ماها باشد. در ضمن مطالبی فرمودند که بنده ناچار هستم برای اینکه سوء تفاهمی در خارج ایجاد نشود توضیحاتی بدهم اولاً اشاره بقانون و مقررات کردند که در زمان سلف بنده در وزارت فرهنگ تهیه شده است و اظهار استیضاح عاجز بگردند. آقا اگر در يك وزارتخانه يك لایحه تهیه شود خودتان میدانید که آن سمت قانونیت پیدا نمیکند. هزارتا از این لایحه در وزارتخانه ها تهیه میشود ولی وقتی لایحه صورت قانونی پیدا میکند که مطابق مقررات نظامنامه به مجلس بیاید و جریطن خودش را ملی کند بعد از

آنکه تصویب مجلس رسید بلافاصله بصحة و امضاء پادشاه برسد آری وقت بجریان عادی خودش بیفتد و بموقع اجرا گذاشته شود پس این چه استیضاحی است؟ يك عملی کرده اند بکنند و اما راجع بشهربانی این جمله را باید عرض کنم که شهربانی امروز ما با سابق بسیار فرق دارد (صحیح است) و از نظر اوصاف باید امروز قدر دانی کرد از انجام وظائفي که شهربانی بهمه گرفته است و اگر يك عملیاتی میکند آنرا بطور قطع میدانم که آن عملیاتی بر طبق قانون است حالا توضیح میدهم امروز بحکم مقتضیات مملکت ما مشروطه است قانون اساسی آزادی عمل داده است به مردم اما نه آزادی مطلق. عملش اگر مغل آسایش عمومی و یا مضربحال جامه باشد عمل باید تعقیب جزائی شود (صحیح است) از هر کس صادر شود اگر فلان زید در يك دبیرستان است نباید سوء استفاده کند از سمت دبیرش و تصور کند و بگوید چون من دبیر هستم پس باید معاف باشم از تشریفات قانونی و هیچکس بمن حرف نزند نه. اولاً من سراغ ندارم چنین دبیری را در مدارس و مؤسسات فرهنگی و اگر از اعضاء فرهنگی بخواهند مداخلاتی در امور سیاست مملکت بکنند و همچنین محصلین مدارس این را باید بدانند که نباید سوء استفاده کنند از اینکه اینها چون محصل هستند و دانشجو هستند اگر يك کار خلاف قانونی بکنند کسی نباید به آنها حرفی بزند (صحیح است) بنده این را با کمال آزادی عرض میکنم و هیچ ترسی هم ندارم امروز يك عده زبانی از دانشجویان ما در این مدارس هستند که سن آنها از هیجده متجاوز است یعنی يك اشخاصی هستند که اگر در دفاتر رسمی سندی را امضاء کنند آن امضاء معتبر است. حالا اگر بعنوان اینکه شاگرد مدرسه است بخواهد برخلاف سیاست عمومی و برخلاف مصالح مملکت يك اقدامی بکنند آن سمت دانشجویی او موجب عدم تعقیب نخواهد شد (صحیح است) و این را عرض کنم که تا کنون این جریانات بوده و اگر هم بوده يك اتفاقات خیلی جزئی بوده و شهرتهائی که در اطراف داده اند مطابق واقع بوده است و امیدواریم تمام دانشجویان از بزرگ ها و متوسطین

فقط درس بخوانند و بوظائف خودشان عمل کنند (صحیح است) این را عرض کنم ساعات اضافی ما در دبیرستانها داشتیم که اکثر آقایان اولادهاشان در دبیرستانها بوده اند میدانند و این باعث شده بود که يك قسمتی از عمر اطفال ما فرزندان من تلف میشد. البته این برنامه ها بواقعی دارد باید اصلاح شود و اصلاح هم میشود بنده مخصوصاً دستور دادم که ساعات اضافی را که این بچه ها میآمدند بیرون بگویند اینسکه در خانه ها کار کنند و بازی میکردند و دوتا از بچه های خود بنده می آمدند منزل چه منزل باشم و چه نباشم می آمدند برای خودشان بازی میکردند بنده مخصوصاً دستور دادم که برای ساعات اضافی آنها معلم اضافی تهیه کنند و کمک بدهند بهمان دروس آنها و همچنین دستور دادم بعد از ظهرها وقتی ساعات درس تمام شد بهیچوجه شاگرد را در مدرسه نگاه ندارند و باولیا آنها هم اطلاع بدهند که اطفال شما در فلان ساعت از مدرسه بیرون آمدند و اگر دیر آمدند مربوط بمدرسه نیست و هكذا میخواهم این حرفها را بزمام ولی امیدوارم آنچه که در سابق خوب بوده اصلاح بشود.

اما راجع بمیسیون امریکائی فرمودند ما فرهنگ بین المللی نمیخواهیم بعد فرمودند ما باید مثل دکارت و کپی و کپی تربیت کنیم. بنده نمیدانم مقصودشان از فرهنگ بین المللی چیست اگر مقصود این است که ما امروز از علوم و فنون که در ممالک متمدنه دنیا معمول است و در جریان است بی بهره باشیم که گمان نمیکنم بشما مقصودتان این باشد. آقا معارف قدیم برای ما کافی نیست این را باید اعتراف کرد ما باید امروز معارف ممالک متمدنه دنیا را بحدی که امروز رسیده با وسائلی که داریم اخذ کنیم (صحیح است) ما نمیخواهیم تنها زندگی کنیم (صحیح است) ما جزء لاینفک دنیا هستیم (صحیح است) در دیبائی که امروز اگر در چند هزار فرسخ راه فاصله حادثه اتفاق بیفتد ما در طرف چند نایه میشنویم نمیتوانیم گفتا کنیم معلوم قدیمه. ما آن اندازه که لازم باشد برای حفظ آثار و برای شناسائی بزرگان مان آنها را حفظ میکنیم و علوم و فنون و آداب جدید را هم باید درک کنیم. اما

میسون امریکائی بنده گمان نمیکنم آن میسیون برای منظوری که فرمودید از امریکا خواسته شده است که هیئت میسیون امریکائی معارف ما را مطابق نظریات خودشان درست کنند اینطور نیست بنده اطلاع کاملی ندارم و آنچه که اطلاع دارم این میسیون را خواسته اند که از اوضاع معارف فعلی ما مسبق بشوند نه اینکه بما دستور بدهند و شاید مصالحت مملکت ما در این بوده است که یک ارتباط فرهنگی با امریکا یا جای دیگر از نظر فرهنگ بین المللی داشته باشیم بنابراین آن منظوری که شما فرمودید نیست و علاوه بر این لازم است این قضیه را هم عرض کنم متأسفانه با این پیش آمد اخیر تصور نمیکنم این موضوع عملی شود. اما مطلب دیگری که باید دفاع کنم و وظیفه دارم در این قسمت آن صحبتی بود که راجع باستادان فرمودند. مقصودم دفاع از شخص نیست بلکه دفاع از علم است فرمودند ما اشخاصی داریم پیرمرد و ریش دار و شما آنها را کنار گذاشته اید و اشخاصی را آورده اید که موی در صورت ندارند. آقا شما میدانید که علم مربوط بریش و ریشداری نیست (صحیح است) امروز ما یک عده از جوانهایی که چندین سال قبل فرستاده ایم به مسافرت خارج با خرج دولت و با خرج خودشان اینها اصولاً یک تحصیلاتی کرده اند و امروز برگشته اند ما باید از وجود اینها در فرهنگ ایران استفاده کنیم و نظر بکمی و زیادی سن نداریم فرهنگ ایران باید از تمام افرادش استفاده کند از اشخاص پیر در موقعش و از اشخاص جوان در موقعش. اما راجع بساخته های فرهنگی که فرمودند بناهای عالی هست ولی کسی در آنها نیست بنده که چنین جای را سراغ ندارم و متأسفانه باید بگویم یکی از مشکلاتی که برای وزارت فرهنگ در پیش میباشد همین موضوع ساختمان و بناهای فرهنگی است که در اثر نبودن بناهای لازم الآن وزارت فرهنگ با یک عده از صاحبان منازل خصوصی که برای مدارس اجاره کرده است جنجال عجیبی دارد و البته وزارت فرهنگ سعی دارد که بناهای لازم را بسازد و ضمناً این موضوع را هم که عقیده شخص خودم است باید عرض کنم

همانطور که تعلیمات ابتدائی و مقدماتی مقدم بر تعلیمات متوسطه است همانطور هم ساختمان دبستان مقدم بر ساختمان دبیرستان میباشد. یک قسمت نماینده محترم راجع بتعلیمات عمومی مخصوصاً راجع باذربایجان صحبت کردند بنده لازم میدانم در این باب هم اشاره بکنم. همه آقایان مخصوصاً خود اهالی آذربایجان بخوبی میدانند در پانزده سال قبل که سمت وزارت فرهنگ را داشتم نظر به علاقه خاصی که نسبت به آذربایجان داشتم مخصوصاً خود من آنجا مسافرت کردم و در آن موقع هم آن اندازه که مقذور بود نسبت با آنجا کمک شد و حالا هم با وجودیکه تمام ایالات و ولایات ایران در نظر دولت مساوی است ولی با در نظر گرفتن مصالح وقت آن اندازه که مقذور باشد اطمینان میدهم که نسبت بفرهنگ آنجا کمک بشود و با وجودیکه اخیراً وسائل فرهنگیمان یک قدری دچار اختلال شده است در صورتیکه موفق بشویم اختلالات را رفع کنیم البته رفع نگرانی اهالی آذربایجان و سایر هموطنان ما هم خواهد شد و این جمله را هم بیز میگویم که سایر آقایان رفقای من هم یعنی هر کدام از آقایان وزیران در قسمت کار خودشان علاقه را که دارند در درجه اول نسبت باذربایجان و همینطور به همه نقاط آن علاقمندی را داشته و اهالی همه نقاط باید بدانند که تا این هیئت دولت هست و مجلس محترم هم پشتیبان آن میباشد تمام توانایی و وسائل را که در دست دارند بطور کلی برای رفع حوائج آنها و رفع نگرانی آنها اعمال خواهند کرد. (نمایندگان صحیح است احسنت)

(بعضی از نمایندگان ختم جلسه)

[۳ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم میکنیم جلسه آتی روز یکشنبه ۲۳ آذر و دستور طرح بقیه برنامه دولت

(مجلس یکصد و هشتاد و پنج نفر حاضر شد)

رئیس و مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری